

حجت الاسلام و المسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه، استاد دانشگاه، عضو هیئت علمی و مدیر گروه فلسفه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه و رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه، میهمان این هفته گفتگوی پایش اندیشه ما بود. ایشان عضو شورای تحول در علوم انسانی وابسته به شورای عالی انقلاب فرهنگی بوده و در زمینه تحول در علوم انسانی و اسلامی سازی علوم تحقیقاتی داشته است. بدین منظور با ایشان در رابطه با نقش دانشگاه در تغییر و اصلاح سبک زندگی و نیز لزوم تحول در علوم انسانی و فرایند آن به گفتگو نشستیم.



پایش اندیشه:

دانشگاه و سبک زندگی

پایش: در مورد نقش تحول علوم انسانی در پیشرفت و اصلاح سبک زندگی ایران نکاتی بفرمایید.

- تشکر می‌کنم از اینکه نشریه شما به مقوله‌ای کاربردی می‌پردازد؛ زیرا مقوله‌های کاربردی علاوه بر بعد معرفتی، فایده عملی، فرهنگی و اجتماعی نیز خواهد داشت. درباره سؤال شما باید گفت که اصولاً بحث سبک زندگی یک بحث کنشی است که به نوع رفتار جامعه مربوط می‌شود. رفتاری که هویت جمعی پیدا می‌کند و می‌تواند حتی در جهت‌گیری اراده‌های انسان‌ها تأثیر بگذارد و سایر رفتارها را به آن سمت سوق بدهد و بکشاند. از طرف دیگر علوم انسانی با مقوله انسان سروکار دارد، مخصوصاً علوم اجتماعی. وقتی علوم اجتماعی به شناخت، تغییر، رفتارها و نهادهای اجتماعی بپردازد، طبیعی است که یک نظریه‌ای که در علوم انسانی مطرح می‌شود اثر مستقیمی نسبت به سبک زندگی خواهد داشت. بنابراین می‌شود

گفت که این سبک زندگی موجود زائیده علوم انسانی‌ای است که امروزه در محیط‌های دانشگاهی رواج دارد و هویتاً تحول در علوم انسانی می‌تواند منشأ تحول در سبک زندگی باشد. **پایش:** بعد از فرمانی که مقام

معظم رهبری دادند و سفارشی که کردند در مورد اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها و علوم انسانی، ارزیابی شما از اسلامی‌سازی چیست؟ آیا پیشرفتی داشته یا نداشته؟ اگر نداشته فکر فرمایش مقام معظم رهبری در مورد تحول علوم انسانی بسیار مهم است. نکته اول: تحول علوم انسانی سه ساحت دارد: بهینه‌سازی، بومی‌سازی و اسلامی‌سازی که هر کدام از اینها زیر مجموعه‌هایی دارد؛ مثلاً بهینه‌سازی به سرفصل‌های دروس و به‌روز کردن دروس می‌پردازد. بومی‌سازی بیشتر

به کاربردی کردن دروس و موضوعات سروکار دارد کتاب‌های درسی، نوع آموزش مدرسان دانشگاه، نوع تعیین موضوعات پایان‌نامه و مجلات علمی پژوهشی و علمی تجربی، همه اینها را شامل می‌شود. اسلامی‌سازی هم به معنای این است که به تولید علوم انسانی مبتنی بر روش‌شناسی اسلامی و حکمت اسلامی پرداخته شود.

نکته دوم: شورای تحول علوم انسانی، که زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی است، گام‌های مؤثری را در بهینه‌سازی علوم انسانی برداشته است. این شورا کارگروه‌هایی را تشکیل داده که متخصصان و استادان فرهیخته‌ای از دانشگاه‌های مختلف جمع می‌شوند و در بهینه‌سازی و بالندگی علوم انسانی در رشته‌های مختلف روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و اقتصاد و مدیریت و مانند اینها قدم برمی‌دارند و کارهای خوب و مفیدی انجام می‌دهند؛ ولی سعی‌شان بر این است که این سرفصل‌ها به

گونه‌ای باشد که تا حدودی بومی‌سازی و اسلامی‌سازی را نیز تأمین کند.

نکته سوم: ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که اسلامی‌سازی در یک زمان کوتاهی یا در یک فرایند کوتاهی اتفاق بیفتد. اسلامی‌سازی یک پروسه است؛ این پروسه زمانبر است؛ البته طبیعتاً سندنویسی و مدیریت راهبردی در این مقوله می‌تواند خیلی نقش مؤثری داشته باشد و اثرگذار باشد، به همین خاطر اگر یک نگاه راهبردی نسبت به تحولات علوم انسانی داشته باشیم و بدانیم می‌خواهیم به کجا برسیم و الان چه وضعیتی داریم و چه فرایندی باید طی شود و چه گام‌هایی در این آغاز و انجام طی شود، من فکر می‌کنم آینده علوم انسانی تحول درخشانی پیدا می‌کند. این کار زمانبر است و عجله نباید کرد. این عجله نکردن نباید به معنای تدبیر نداشتن باشد، بلکه باید با تدبیر عجله نکنیم. تدبیر داشته باشیم و البته عجله هم نکنیم که کار با دقت و فرایند علمی و منطقی پیش برود.

پایش: در مورد اسلامی‌سازی و اسلامی کردن دانشگاه‌ها نظر حضرت‌عالی چیست؟ آیا صرفاً اصلاح سرفصل‌های

دروس و متون کفایت می‌کند برای اسلامی شدن دانشگاه‌ها و تغییر سبک زندگی دانشجویی و دانشگاهی؟

همان‌گونه که درباره شورای تحول اشاره کردم، شورای عالی انقلاب فرهنگی یک شورای دیگری به نام اسلامی شدن دانشگاه دارد که البته سابقه و قدمت بیشتری دارد. به همین دلیل تا حدودی جلوتر از شورای تحول است. در آنجا سند دانشگاه

اسلامی نوشته شده است و در چهار عرصه راهبردها و پیشنهادها و اجرایی داده شده؛ عرصه‌های پژوهش و آموزش و فرهنگ و مدیریت. طبیعی است که اگر بخواهد دانشگاه اسلامی بشود علاوه بر نمادهای اسلامی و ظواهر اسلامی که در دانشگاه‌ها لازم است رعایت شود، باید به محتوا هم بپردازیم؛ یعنی دانشگاهی اسلامی است که علم در آن رشد پیدا کند. رکود علمی با اسلامی‌سازی دانشگاه نمی‌سازد. وجود استادان فرهیخته،

دانشجویان زحمت‌کش و تلاشگر، پیوند دانشگاه با جامعه و رفع نیازهای جامعه همه جزء ویژگی‌های یک دانشگاه اسلامی است.

البته تولید دانش براساس مبانی و جو اسلامی هم یک ویژگی دیگر است که معنایش این نیست که هرچه از غرب می‌آید کنار بگذاریم. بسیاری از دستاوردهای علمی مثبتی هست که در حوزه‌های مختلف علمی باید استفاده

کرد و بهره برد. اصلاً معنای دانشگاه اسلامی این نیست که مثلاً علومی که در غرب تولید شده است تعطیل شود و یا به حاشیه رانده شود؛

نه خیر. شخصیتی مانند مطهری، که یک فیلسوف اسلامی بود، می‌بینید که به مطالعه فلسفه غرب می‌پردازد و از نکات مثبت استفاده می‌کند و نکات منفی را به نقد می‌کشانند و بعداً خودش چالش ایجاد می‌کند. در واقع این ویژگی دانشگاه اسلامی است و سندش نوشته شده و کارگروه‌های چهارگانه‌ای تشکیل شده

من معتقد هستم که دانشگاه ما از یک موفقیت نسبی برخوردار بوده اند حالا شما همین نماز جماعت‌هایی که من به بعد مذهبی فقهی یعنی بعد فقهی این اذان مثل نماز خوان‌ها و مساجد دانشگاه‌ها مملو از جمعیت است و سریع پر می‌شود و دانشجویان می‌آیند و نماز جماعت شرکت می‌کنند

است و ان شاءالله قرار است این مباحث در دانشگاه‌ها توسعه پیدا کند.

پایش: نحوه تعامل شورای تحول با شورای اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها به چه صورت است؟ آیا با هم ارتباط دارند؟

بله؛ چون زیر مجموعه شورای عالی هستند. دبیرخانه شورای عالی این مجموعه‌ها را مدیریت کلان می‌کند که با هم هماهنگ باشند و بعضی از اعضای حقیقی یا اعضای حقوقی این دو شورا هم در واقع مشترک هستند.

پایش: ما اسناد اسلامی کردن دانشگاه‌ها را در محورهایی که فرمودید رصد کرده‌ایم. سندی که از دهه پیش به صورت جدی در شورای عالی انقلاب فرهنگی نوشته شد با این سند که اخیراً در سال ۹۳ ارائه شده است تفاوتی ندارد. ما روی اصول و مبانی مشکل آنچنانی نداریم؛ لکن در مورد آنچه در واقعیت اتفاق می‌افتد نظر حضرت تعالی چیست؟ آیا روند رو به پیشرفتی داشته

است و ما در اسلامی شدن دانشگاه‌ها و در مورد همین چهارمحوری که فرمودید موفقیتی داشته‌ایم یا خیر؟ اگر داشته‌ایم به چه صورت و اگر نداشته‌ایم موانع‌اش چه

تولید ماهواره و رشد در ناباروری و آی تی و مقوله‌هایی از این قبیل، واقعاً شاهد در واقع آن رویکرد اسلامی سازی دانشگاه هستیم و دانشجویان متدین و انقلابی و معتقد این تولیدات را انجام داده‌اند. هم بیان شده است. یک طرح مهندسی برای اصول و راهکارها هست که بتوانند این راهبردها را اجرایی و عملیاتی کنند. به نظر بنده این سند جدید کامل‌تر است نسبت به گذشته.

در واقع اینکه آیا موفق بوده‌ایم یا نبوده‌ایم این را اکنون نمی‌توان بیان کرد؛ زیرا باید با حوصله و تأمل پیش برود. اگر من جواب سوال شما را بخواهم بدهم باید با توجه به توطئه فرهنگی و ناتوی فرهنگی غرب بر جامعه ما و همچنین بر جامعه دانشگاهی ما و نیز با توجه به تلاش و هزینه‌های فراوانی که انجام داده‌اند، من معتقد هستم که دانشگاه ما از یک موفقیت نسبی برخوردار بوده است. شما همین

نماز جماعت‌ها را ببینید. من به بعد فقهی این اسلامی‌سازی دانشگاه توجه بدهم؛ مثلاً وقت اذان نمازخانه‌ها و مساجد دانشگاه‌ها مملو از جمعیت است و سریع پر می‌شود و دانشجویان می‌آیند و در نماز جماعت شرکت می‌کنند و یا فرض کنید در مناسبت‌های مختلف دعای عرفه و شب‌های قدر و اعتکاف دانشجویان مشارکت خوبی دارند. همچنین در رشد صنعتی و علمی و اینکه دانشگاه پیوندی با جامعه پیدا کند ما موفق بوده‌ایم؛ مثلاً همین تولید ماهواره و رشد در پزشکی و نانو و آی تی و مقوله‌هایی از این قبیل. ما واقعاً شاهد وجود رویکرد اسلامی در دانشگاه هستیم و دانشجوی متدین و انقلابی و معتقد این تولیدات را انجام داده‌اند. اگر این رویکرد اسلامی در دانشگاه‌ها نبود این تولیدات را ما نداشتیم، چون به هر حال افراد مستعد می‌روند کشورهای دیگر و دغدغه کشور خودشان را ندارند و اینکه می‌بینید این تولیدات انجام شده است، منشأ این اتفاقات دانشجویان و دانشمندان مؤمن و متدینی هستند که دغدغه توسعه کشور را داشته‌اند. بنابراین با این نگاه واقعاً پاسخ مثبت

پایش: دانشگاه بر تغییر و اصلاح سبک زندگی چه تأثیراتی می‌تواند داشته باشد؟
دانشگاه به تولید علوم با رویکرد اسلامی پردازد و با برقراری ارتباط بین دانشگاه و جامعه در سبک زندگی تأثیر می‌گذارد.

مقصودشان این نیست که دانشگاه ما اسلامی نیست و ما می‌خواهیم با این سند اسلامی‌اش کنیم. بلکه منظور این است که همگی می‌خواهیم این اسلامی‌سازی یک روند تکاملی پیدا کند.

است و سیر صعودی داشته‌ایم؛ اما وقتی دغدغه جزئی‌تر نگاه کنیم یا مثلاً فرض مطلوب را بخواهیم، باید گفت که بله فاصله ما تا مطلوب زیاد است و تلاش فراوانی باید کرد. اینهایی که سند دانشگاه اسلامی را نوشته‌اند

